

یک دم نگاه کن که چه بر باد می دهی

منبع: سایت زیتون، روز پنج‌شنبه، مورخ: ۹۶/۱۲/۳

خبر مرگ مشکوک دکتر کاووس سید امامی، جامعه شناس، فعال محیط زیست و استاد دانشگاه امام صادق در زندان، تلخ و دردناک بود. پس از این حادثه، مسئولان قوه قضائیه به رسانه ها گفتند: سید امامی در زندان خودکشی کرده، همچنین بر جاسوس بودن او تحت پوشش فعالیت در حوزه محیط زیست تاکید کردند. صدا و سیمای جمهوری اسلامی نیز با پخش فیلمی، بر خودکشی و جاسوسی سید امامی صحه نهاد.

در این نوشتار بر آنم با ذکر دو خاطره، توضیح دهم که چرا سخنانی از این دست به سمع قبول شنیده نمی شود و افکار عمومی قانع نمی گردد. متأسفانه، آنچه میان قاطبه مردم از سویی و مسئولان قوه قضائیه و سازمان زندانها از سویی دیگر در این سالیان رخ داده، تداعی کننده قصه «چوپان دروغگو» است؛ به نحوی که حتی اگر روزی روزگاری به درستی گفته شود فلانی در زندان خودکشی کرده و یا بهمانی جاسوس بوده، کمتر کسی آنرا می پذیرد و مبتنی بر آن نگاه سیاسی خود را سامان می بخشد؛ که: «خود کرده را تدبیر نیست».

دی ماه سال ۸۹ شمسی، روزگاری که همچنان پس لرزه های انتخابات جنجالی ریاست جمهوری سال ۸۸ ادامه داشت و هنوز میرحسین موسوی، زهرا رهنورد و مهدی کروبی نازنین محصور نشده بودند؛ در یکی از جلسات بازجویی و گفتگو با نیروهای امنیتی، فردی که عضو وزارت اطلاعات بود، با اشاره به حوادث پر تلاطم دهه هفتاد شمسی و حملات نیروهای انصار حزب الله به جلسات سخنرانی عبدالکریم سروش و هجمه شدید ائمه جمعه در منابر خود به ایشان، ضمن انتقاد از آراء نظری و مشی عملی دکتر سروش در آن سالیان، به من گفت: شخصا پرونده آقای سروش در وزارت اطلاعات را به طور کامل خوانده ام و با فضایی که ایشان و خانواده اش در دهه هفتاد شمسی تجربه کرده اند، به نیکی آشنا هستم. به ایشان گفتم: پس اخبار روزنامه «کیهان» حسین شریعتمداری و هفته نامه «کیهان هوایی» با مدیریت عباس سلیمی مبنی بر جاسوس بودن دکتر سروش و افشای اسرار مملکتی در سفر به کشور آلمان در سال ۷۴ را به خاطر دارید؟ ایشان گفت: بله به خاطر دارم. گفتم: ارتباط نزدیک و تنگاتنگ روزنامه «کیهان» با نیروهای امنیتی و محافل اطلاعاتی، اظهر من الشمس است و نقل هر کوی و برزنی؛ از اینرو اخبار مهمی از این دست که منتشر می شود، قاعدتا مورد عنایت و تایید نیروهای امنیتی است. در ادامه از ایشان پرسیدم: شما فکر می کنید آقای سروش در آن سفر جاسوسی کرده و اسرار مملکتی را فاش کرده است؟؟ بگذریم از اینکه

فردی که استاد دانشگاه است و کارش تدریس و سخنرانی و قلم زدن، از اسرار نظامی - امنیتی مملکت چه می داند که بخواهد آنها را فاش کند؟! وی پاسخ داد: نه، آن سخن درست نبود و به رغم انتقاداتی که به ایشان داشته و داریم، ما دکتر سروش را جاسوس نمی دانستیم و نمی دانیم. همان موقع از نظرم گذشت و در دل به خود گفتم: جالب است! بخشی از نیروهای امنیتی این مملکت به سرکردگی « کیهان » و حسین شریعتمداری، به یکی نسبت جاسوسی می دهند و آنرا در تیراژ بالا منتشر می کنند؛ بخش دیگری از همین دستگاه عریض و طویل امنیتی، آن نسبت و اتهام را ناروا و بی وجه می داند. در چنین میانه ای که بخشی از نیروهای امنیتی، سخنان و مدعیات بخشی دیگر از محافل امنیتی مبنی بر جاسوس بودن فلانی را ناروا و بی وجه می انگارد، چه انتظاری از نخبگان و دیگر اقشار جامعه است که این سنخ سخنان را باور کنند؟! « خلاف این بودی عجب بودی ».

شخصاً، آشنایی با مرحوم سید امامی نداشتم و ایشان را نمی شناختم؛ در عین حال با عنایت به آنچه آمد، نظیر کثیری از هموطنانم، در پذیرفتن آنچه ناظر به جاسوس بودن ایشان از تریبون های رسمی اعلام شده، تردید جدی دارم. مع الاسف، صدا و سیما نیز با انتشار عکس هایی از زندگی خصوصی و شخصی کاووس سید امامی، همچنین، صدور حکم مبنی بر جاسوس بودن ایشان، بدون اینکه هنوز دادگاهی برگزار و حکمی توسط قاضی صادر شده باشد؛ مرتکب عملی غیر اخلاقی و ناموجه شد.

افزون بر این، ادعای خودکشی کردن دکتر سید امامی نیز محل تامل است. به خاطر دارم، سال ۸۹ شمسی، دوبار از دکتر محمد محمدی گرگانی، استاد حقوق و پدر همسر دوست عزیز، احمد زید آبادی شنیدم، هنگامی که پس از سپری شدن دوران زندان انفرادی طاق فرسا، به ملاقات زید آبادی در زندان رفته، از داماد خود شنیده در دوران انفرادی، به رغم اعتقادات دینی و مذهبی، آنقدر شرایط هول انگیز و دهشتناک و تلخ و تیره ای را تجربه کرده که اگر امکانش را داشته و می توانسته، خودکشی می کرده است. می توان تصور کرد در آن روزها و شبهای تلخ تر از زهر، چه بر زید آبادی گذشته است. سیامک پورزند هم که تحت الحفظ در آپارتمان خود زندگی می کرد، به سبب آزار و اذیت های فراوانی که دید، به زندگی خود خاتمه بخشید و خودکشی کرد؛ اما این امر از حجم ظلمی که بر او رفت، نمی کاهد. فرض کنیم که بنا بر روایت رسمی مسئولان، کاووس سید امامی در زندان خودکشی کرده باشد، باید پرسید چرا طی پانزده روز او به این مرحله رسید که رفتن را بر ماندن و مرگ را بر زندگی ترجیح دهد؟؟ در این مدت چه بر سرش آورده اند که چاره کار را در خودکشی دیده است؟؟

در قصه پر غصه کاووس سید امامی، تا کنون نه افکار عمومی اتهام جاسوس بودن او را پذیرفته، نه خودکشی کردنش را. در فقره دوم، به فرض هم که ایشان خودکشی کرده باشد، سؤالاتی که در ذهن عموم شهروندان در این

میان خلجان کرده، از این قرار است: چه شرایطی او را بدین سمت سوق داد که به زندگی خویش خاتمه بخشد؟
چطور یک زندانی سیاسی در محیط زندان می تواند به راحتی خود را از پای در آورد؟؟

سوگمندان، به سبب نحوه رفتار مسئولان قوه قضائیه و سازمان زندانها طی سالیان گذشته، سلب اعتماد عمیقی نسبت به منش و کنش ایشان در جامعه سربرآورده و نهادینه شده؛ از اینرو این جماعت هم در اقتناع شهروندان درباره نحوه دادرسی پرونده سعید طوسی ناموفق و ناکارآمد بوده اند، هم در تبیین چرایی خودکشی برخی از معترضان شورشهای دی ماه سال جاری، هم در تا زمانی که تغییر و تحولی بنیادین و جدی در مشی و مرام حضرات پدید نیاید و در بر همین پاشنه چرخد و پاسداشت حقوق بنیادین شهروندان محوریت و مرکزیت نیابد و عموم شهروندان دستگاه قضا را مامن و ملجا خود نینگارند، بی اعتمادی و ناامیدی شکل گرفته از میان رخت بر نخواهد بست، بلکه رفته رفته عمیق تر می گردد:

یک دم نگاه کن که چه بر باد می دهی
چندین هزار امید بنی ادم است ایمن
گفتی که شعر « سایه » دگر رنگ غم گرفت
آری سیاه جامه صد ماتم است ایمن